



محمد قهوه‌ای

## به یاد محمد قهوه‌ای؛ روایتی از نقش یک معمار در معماری یک شهر

In memory of Mohammad Ghahevi; narration of an architect role in architecture of a city | Mahdi Kaboudi

مهدی کبودی

◀ نگاه به هر یک از آثار هنری در اقسام گوناگون خود بیانگر اندیشه‌های هنرمند و بسیاری از شرایط محیط حاکم بر آن است که هم‌اکنون در معرض دید مخاطبان خود قرار دارد. بی‌شک هنرمندان بسیاری در پس صورت مادی آثار، جدا از کم و کیف آن‌ها در پی انتقال پیام و تجربه‌ای به مخاطبان خود بوده‌اند و چه‌بسا آن‌ها را در اشعار حافظ، مینیاتور بهزاد، خوشنویسی علیرضا عباسی یا صدای محمدرضا شجریان شاهد بوده‌ایم. در میان همه اقسام هنر، معماری به‌واسطه حضور مادی و لمس بی‌واسطه، دامنه تأثیرگذاری در آن افزون‌تر خواهد بود.

در سده اخیر و دورانی که مهجور از پیام و تجربه‌اندوزی پیشینیان و شکست در انتقال میراثی بوده‌ایم که با همت معمارانی کاربلد نسل به نسل و سینه‌به‌سینه به بالندگی رسیده بود، عرصه در اختیار کسانی قرار گرفت که توجه چندانی به پیام و تجربه

معماری گذشته نداشتند. اندک‌شماری از آن‌ها آموزش‌یافته دوران جدید بودند و عده کثیری نیز تنها فنی که از بر بودند، خشت روی خشت یا آجر روی آجر گذاشتن بود، بی‌هیچ هنری. این به‌هم‌ریختگی در شهرهای دور از مرکز بسیار بیشتر بود، اما شاهد هستیم با حضور برخی از معماران آموزش‌دیده در سال‌های دهه چهل و پنجاه که به پهلوی دوم شناخته می‌شود، علی‌رغم مقاومت بناهای بومی و کارفرمایان، توانستند منشأ آثار ارزشمندی باشند که به درخشان شدن کیفیت معماری آن سال‌ها منجر شد.

محمد قهوه‌ای یکی از معمارانی است که پس از پایان تحصیل و کسب تجربه در تهران برای ادامه کار به زادگاه خود بازگشت. نگاهی اجمالی و بررسی آثار به‌جای مانده، به‌ویژه از سال‌های ابتدایی، نشان از آن دارد که علاوه بر دارا بودن قالبی مدرن و متفاوت از جریان نه‌چندان مطلوب آن دوران، متوجه بستر بومی خود بوده است که درنهایت، تربیت نیروی کار ماهر، استفاده از مصالح مناسب و ارزان با اجرای صحیح پروژه‌ها به ارتقای کیفیت ساخت‌وساز انجامید. نگاه به شهر زادگاه با قیمت گمنامی دور از تهران بودن، تأثیری شگرف و غیرقابل‌انکار بر سیمای معماری شهر همدان باقی گذاشت که توجه به کیفیت طراحی و همزمان تمرکز و پیگیری در ساخت، سبب ساخت آثار ارزشمندی شد.

وی همزمان با دهه سوم فعالیت حرفه‌ای با تدریس در دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا و پیش‌تر در دانشگاه آزاد اسلامی همدان، توانست تجربه‌های گران‌بهای خود را که آمیخته‌ای از هنر طراحی و تجربه اجرای موفق آن‌ها بود در اختیار دانشجویان قرار دهد تا آنجا که بسیاری از آن‌ها راه استاد را در پیش گرفتند. مهم‌تر از هنر طراحی و دست قوی ایشان در آموزش، توجه به اخلاق با تأکید بر «مقدم بودن انسان بودن بر معمار بودن»، ترجیح‌بند بسیاری از کلاس‌های ایشان بود.

کیفیتی از طرف او در طراحی موردتوجه بود که فقیر و غنی را از هم جدا نسازد بی‌آنکه در اصطلاح در طراحی کم‌کاری شود که این زاویه نگاه و رویکرد در گفته ایشان: «همواره برای یک پادشاه طراحی کنید» نهفته بود. چه‌بسا پیامی که استاد با منش اخلاق‌مدارانه خود و به‌واسطه آثار به‌جای مانده در پی انتقال معنای آن به دانشجویان و مخاطبان بود، همین خودبستگی و بومی‌گزینی بود که تازگی و نو بودن یک‌ایک بناها پس از قریب به پنج دهه کماکان زیبا می‌نماید.

دبیرستان آمنه و مدرسه حجاری، دو نمونه از مهم‌ترین آثار است که علاوه بر ده‌ها بنای مسکونی الهام‌بخش، از ایشان به یادگار مانده است. ■